

نقدی بر نقش و کارویژه بسیج در پرتو قانون برنامه چهارم توسعه : کاستی‌ها و راهکارها

دکتر نادر ساعد

دکترای حقوق بین‌الملل، محقق و مدرس دانشگاه

محمدجعفر ساعد

دانشجوی دکترای حقوق جزا در دانشگاه بهشتی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۴

چکیده

برنامه‌ریزی، یکی از لوازم اساسی مدیریت امور عمومی است که چهارمین برنامه پنج‌ساله کشورمان نیز با درک اهمیت و وجاهت آن، تدوین شده و به مرحله اجرا رسیده است. پیشبرد اهداف و مأموریت‌های ذاتی بسیج، همانند سایر نهادهای عمومی، مستلزم برنامه‌ریزی بوده و دولت نیز در برنامه‌های توسعه، تا حدودی این امر را مورد توجه قرار داده و همگام با تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اداری و اجتماعی، دورنمای کارویژه‌های بسیج را در قالب خطوط کلی و راهبردی ترسیم کرده است. در این نوشتار، بسیج از منظر قانون برنامه چهارم توسعه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ضعف‌های این برنامه نسبت به برنامه سوم روشن شده است. در پایان نیز به منظور انجام کارویژه‌های بسیج، پیشنهادهایی جهت اصلاح و اجرایی کردن مفاد این قانون و حسن انجام وظایف و مأموریت‌های ذاتی محوله به بسیج، ارائه شده است تا حصول اهداف توسعه همه‌جانبه کشور در چشم‌انداز میان‌مدت (پنج‌ساله) و بلندمدت (اقفای توسعه بیست ساله) با تأکید بر نقش و جایگاه بسیج تسهیل شود.

واژگان کلیدی

بسیج، قانون برنامه چهارم توسعه، نظم حقوقی، کارویژه‌های فرهنگی، امنیت ملی، دفاع.

برنامه‌ریزی، یکی از لوازم اساسی مدیریت در سطوح کلان و خرد و پیشبرد اعمال حاکمیت و اقتدار عمومی (Lord Irvine of Lairg, 2001, p.186) است که امروزه در اغلب کشورها به عنوان امری مسلم به ویژه در راهبری امور عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است. در کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته نیز که جهش به سوی توسعه همه جانبه با انگیزه‌ای ارزشی دنبال می‌گردد، بر اهمیت این برنامه‌ریزی مدون، بیش از پیش تأکید می‌شود. در کشورمان نیز تاکنون سه برنامه مدون پنج‌ساله به منظور توسعه همه جانبه به اجرا درآمده و اکنون در آستانه نخستین سال اجرای برنامه چهارم هستیم که مفاد آن فراروی نهادهای مختلف قرار گرفته است تا با برنامه‌ریزیهای نهادی و درون سازمانی خود را برای اجرای آن آماده کنند.

در نظام برنامه‌ریزی شده‌ای که تدوین کنندگان برنامه‌های توسعه پنج ساله در نظر داشته و دارند، مأموریتها و اهداف بسیج باید در پرتو راهبردهای ملی مرتبط با این نیرو تعقیب و پیگیری شود. با توجه به برنامه‌های سوم و چهارم توسعه (که موردنظر این نوشتار خواهد بود)، بسیج از دو منظر مورد توجه این برنامه‌ها بوده است: راهبردهای عام ناظر بر نیروهای مسلح (که بسیج به عنوان بخشی از سپاه باید تابع آنها باشد) و راهبردهای خاص بسیج (به ویژه فرهنگی) بسیج که قانونگذار به صورت صریح آن را مختص این نهاد دانسته است.

در این نوشتار، وضعیت بسیج از دو جهت مذکور در چارچوب برنامه چهارم توسعه (تدوین دورنمای کارکرد بسیج در دوره پنج‌ساله ۸۹-۱۳۸۴) مورد بررسی و تحلیل حقوقی قرار می‌گیرد و در پرتو آن، وضعیت مذکور با برنامه سوم مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. در پایان نیز به منظور تقویت دستاورد برنامه چهارم و حسن انجام وظایف، مأموریتها و کارویژه‌های بسیج، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

در این راستا، به منظور درکی کلی از ساختار حقوقی بسیج و مأموریتهای آن، نخست نگرش نظام حقوق موضوعه (Legal System) به بسیج را بررسی خواهیم کرد (بنداول). سپس کارویژه‌های بسیج را از لحاظ مفادی و محتوایی مورد تحلیل قرار خواهیم داد (بند دوم) و محورهای کلیدی این مأموریتها را در پرتو دو قانون برنامه

سوم (بند سوم) و چهارم توسعه (بند چهارم) تحلیل خواهیم کرد. استنتاج پژوهش حاضر، اثبات «فرضیه رقیب» بوده است. به عبارت بهتر؛ با اینکه فرضیه اصلی تحلیل مندرج در این پژوهش، «ارتقای بستر قانونی در تقویت موقعیت و تسهیل کارویژه‌های بسیج» بود، استنتاج این شد که برنامه چهارم با انتظاراتی که از بسیج در شرایط کنونی وجود دارد، حتی با مفاد قانون برنامه قبلی تناسب نداشته و بسیار ضعیف‌تر از آن قانون است. استدلال حقوقی در اثبات این «فرضیه رقیب»، طی بندهای سوم و چهارم ذیل به تفصیل بیان شده است. این در حالی است که انتظار می‌رفت قانونگذار در تدوین برنامه چهارم، با درس گرفتن از تجارب گذشته و در نظر آوردن شرایط جدید و همچنین آگاهی نسبت به امکانات و منابع فعلی، مفاد قانون برنامه سوم را در جهت تقویت بسیج ارتقا می‌بخشید.

امید است که این نوشتار، مقدمه‌ای برای تعمیق در برنامه چهارم و ترسیم خطوطی روشن برای تقویت فعالیت و جایگاه بسیج در فرایند توسعه کشور باشد و بستر پژوهش و تحقیق بیشتر در این خصوص را فراهم سازد. نخستین نکته قابل تأمل در این خصوص، بازپژوهی و کنکاشی دوباره (هرچند مختصر) در کارکرد بسیج از منظر نظم حقوقی است که در بند نخست این مقاله، به آن پرداخته می‌شود.

بند اول: چارچوبهای کارکردی بسیج در پرتو آموزه‌ها و موازین حقوقی

در نظم حقوقی (Legal Order) مبتنی بر پوزیتیویسم، برای تنظیم طولی روابط بین قواعد حقوقی، آیینی بر پایه اصل چینش هرمی شکل پدیدار شده است تا تضمین همسازی قواعد مادون با قواعد مافوق میسر گردد. به عبارت دیگر، ایجاد چینش هرمی شکل در میان مجموعه اصول و قواعد حقوقی، نظمی را که پوزیتیویسم در پی آن است، دنبال می‌کند (Marmor, 2001, p.49). در این مکتب آنچه اصالت دارد، نظم حقوقی صوری یا اصل صورت است. برای تکوین معتبر یک قاعده حقوقی، کانال و مجرای معین و مشخصی وجود دارد که تنها با رعایت مجرا و ضوابط حاکم بر هر یک از نقاط آن فرایند (بدون توجه به سازگاری یا ناسازگاری محتوا) و مفاد این قواعد با ملاحظات

خاص)^۱، «اعتبار» حقوقی در قاعده موردنظر دمیده خواهد شد.

در این میان، مجاری متفاوت و طولی وجود دارد که قواعد حاصل هریک از آنها، از اعتباری که شکل و چارچوب مذکور داشته، بهره‌مند خواهد شد. قانون اساسی سندی مشتمل بر قواعد حقوقی مختلف است که به تبع مجرای تأسیس خویش و همچنین نقشی که در شکل‌گیری بنیادهای نظم حقوقی و سیاسی پس از خویش دارد، سرآغاز این چینش تلقی می‌شود و در رأس هرم سلسله مراتب قواعد یا منابع حقوقی قرار می‌گیرد. این برتری، خود یک اصل کلی حقوقی است که در کلیه نظامهای مهم حقوقی معاصر مورد پذیرش قرار گرفته (داوید، ۱۳۷۵) و در اندیشه‌های مختلف نیز آمده است (نورث و ابتهد، ۱۳۷۶). بدین‌سان، قانون اساسی قطب‌نمای حرکت سفینه حکومت به سمت آرمانها و اهداف یک ملت (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۸۸) و رهاورد ارادهٔ عموم؛ یعنی صاحبان اصلی حاکمیت و سازندگان اصلی حکومت است. (Starck, 2003, p.46)

بر این اساس، موقعیت و وجاهت حقوقی هر موضوع را باید در پرتو موازین مندرج در نظم حقوقی موضوعه جستجو کرد. در این راستا، نخستین سؤال این است که کارکرد بسیج و تنوع کارویژه‌های آن از منظر این نظم حقوقی چگونه است و برنامه چهارم توسعه تا چه حد این مأموریتها را در چشم‌انداز برنامه‌ریزی کلان حرکت به سوی اهداف و مقاصد بنیادین نظام سیاسی و اجتماعی، دستخوش تغییر و تحول کرده است؟

۱- پویای تاریخی ساختار و مأموریت بسیج در پرتو قانون

با ملاحظه تاریخی منابع حقوقی مرتبط با مأموریتهای بسیج، روشن می‌شود که سابقهٔ برخی از مأموریتها، نظیر امداد رسانی، به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد، اما پس از انقلاب با اتکا به توانمندیهای متعدد بسیج مردمی و نقش مؤثر آن در دفاع از انقلاب اسلامی و حقوق مردم، مجموعه‌ای از مسئولیتهای نظامی و غیرنظامی به این نیرو محول شد. گسترش و بسط دامنه مسئولیتها، می‌طلبد که لوازم آن نیز در قالب قوانین مختلف از جمله برنامه‌های توسعه، مدنظر قرار گیرد. اکنون باید دید که در این سیر تاریخی،

۱- به همین دلیل، بینش مخالف پوزیتیویسم با عنوان کردن مسأله inclusive legal positivism، محتوای قواعد حقوقی را بر تمرکز صوری بر آیین اعتباریابی قواعد حقوقی برتری می‌دهد.

قانونگذار چگونه به کارکرد بسیج مردمی پرداخته و ملاحظات آن را مدنظر قرار داده است.

الف - نگاه مضیق به مأموریت بسیج قبل از انقلاب اسلامی

نیروی مقاومت بسیج، نهادی تأسیسی و ابتکاری است که پس از وقوع انقلاب اسلامی شکل گرفته است. از این رو، مقایسه آن با تحولات تاریخی قبل از انقلاب نه از جهت سازمانی، بلکه صرفاً از منظر کارکردشناسی (برخی از مأموریت‌های مشترک نیروی مقاومت بسیج با نهادهای غیرنظامی قبل از انقلاب) میسر است.

جدا از کارویژه‌ها و مأموریت‌های بسیج به عنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، فعالیتهای امدادی و بشردوستانه به منظور حمایت از مردم در برابر مخاطرات ناشی از سوانح طبیعی یا درگیریهای داخلی و بین‌المللی نیز یکی از مهمترین موارد نقش‌آفرینی و حضور بسیج در صحنه‌های مختلف نظم‌آفرینی در جامعه تلقی می‌شود. این مأموریت، قبل از انقلاب نیز وجود داشته و برعهده بخشهای غیرنظامی و خاص بوده که پس از انقلاب به بسیج محول شده است. از این جهت، لازم است در بررسی تحولات تاریخی ناظر بر مأموریت‌های بسیج در نگاه قانونگذار ایرانی، این پیشینه نیز مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس قانون آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی، «سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی» به منظور تمهید توان ملی (در سطوح دولتی و غیردولتی) برای مقابله با رویدادهای اضطراری، اعم از وضعیت‌های ناشی از درگیری مسلحانه و یا حوادث طبیعی یا انسانی در زمان صلح، تأسیس شد. سازمانهای مذکور ابتدا وابسته به نخست‌وزیری بودند و سپس تحت نظارت و مدیریت وزارت کشور قرار داشتند.^۱ بر اساس قانون مذکور، به ویژه بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی آن، منظور از آمادگی ملی وجود شرایطی بود که وزارتخانه‌ها و سازمانهای بخش خصوصی و عمومی و به‌طور کلی عموم مردم را قادر به مقابله با هرگونه رویداد اضطراری کند. (ساعد، بهار ۱۳۸۳، صص ۳۰-۱)

۱- ر.ک. به: مصوبه ۱۳۵۳/۱۲/۱۹ در مورد «قانون تشکیل سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی» و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۵/۱۱/۲؛ همچنین «قانون اصلاح موادی از قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور»، مصوب

با وقوع انقلاب اسلامی، که حاصل موجی شکننده از اراده و عزم ملی بود، بسیج مردمی با کارویژه‌هایی جدید و ساختاری نوین به گونه‌ای ایجاد شد که این اراده و عزم ملی در راستای تأمین منافع جمعی به کار گرفته شود. به این تغییر ساختاری و بنیادین بسیج، وصف «تعبیه نوساختی» و «بسط کارویژه‌ای» دادیم تا ظهور و نمود متفاوت بسیج پس از انقلاب، برای خوانندگان مقاله به صورتی برجسته نمایان گردد.

ب - نیروی مقاومت بسیج: تعبیه نوساختی و بسط کارویژه‌ای^۱ پس از انقلاب اسلامی

مکتب پوزیتیویسم حقوقی (Positivism) یا حقوق موضوعه، صرفاً به منابع صوری حقوق توجه داشته است. برداشت حقوق موضوعه این است که تنها هنجاری را می‌توان از نظر حقوقی معتبر و واجد اثر دانست که اعتبار آن از یک منبع حقوقی شناخته شده توسط قانونگذار نشأت گرفته باشد. (Marmor, 2001, p.1)

در این خصوص، آنچه اهمیت اساسی دارد شکل و تشریفات است، نه محتوا و مفاد یا هدف. طی کردن تشریفات یا تأیید از جانب مراجع صلاحیتدار، موجد اعتبار برای قواعد موردنظر می‌شود (دورکین، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵). به عبارت بهتر؛ هر نظام حقوقی، دربردارنده یک «قاعده بنیادین شناسایی» (Recognition) پذیرفته شده از سوی مقامات است که منابع معینی را به عنوان منابع حقوقی تعیین می‌کند. قاعده‌ای که از یک منبع سرچشمه می‌گیرد، قاعده‌ای «معتبر» است. (سیموندز، ۱۳۸۱، ص ۳۶)

با توجه به وضعیت وقوع انقلاب اسلامی و نقش گسترده مردم در تحقق آن، ایجاد ساختارهایی با هدف تأمین و حفظ دستاوردهای آن، طبیعی به نظر می‌رسید. وقوع انقلاب اسلامی که متّصف به سه وصف مردمی؛ یعنی «اعتقاد ملت، انقلاب ملت و رهبری ملت» بود (هاشمی، ۱۳۷۷)، شکل‌گیری نهادهای عمومی به ویژه بسیج مردمی را در کشور به نحوی دیگر مطرح کرد. اصل یکصدوپنجاهویکم قانون اساسی، تبیین تکوین و اهمیت پدیداری بسیج از منظر قانونگذار اساسی را نشان می‌دهد. این اصل مقرر داشته

۱- همان‌طور که از این عناوین پیداست، بسیج پس از انقلاب اسلامی، نه تنها از نظر ساختار و بافت درونی و سازمانی نوسازی شد، بلکه مأموریتها و وظایف آن نیز بسط و گسترش یافته و مجموعه‌ای از کارویژه‌های نظامی و غیرنظامی را توأمان برعهده گرفته است.

که: «به حکم آیه کریمه، دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم سازد، به طوری که همه افراد توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد». همان‌طور که پیداست، بنیان شکل‌گیری بسیج در پرتو این اصل، سازماندهی اقدام مردمی در جهت دفاع مسلحانه از کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده است. از این جهت، شکل‌گیری بسیج در قالب سپاه، که بر اساس قانون اساسی مأمور دفاع از دستاوردهای انقلاب است، با نظم حقوقی مبتنی بر اولویت قانون اساسی همساز است.

با تبیین بنیادهای شکل‌گیری ارتش بیست‌میلیونی و مردمی در قانون اساسی، زمینه‌های فعالیت سایر نهادها در تقنین و قاعده‌سازی پیرامون کارکردهای تکمیلی بسیج نیز فراهم شد. شورای انقلاب، نخستین نهاد رسمی فعال در تشریح این کارکردها بوده است. شورای انقلاب اسلامی در دهم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام «بسیج ملی» زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی تصویب کرد و مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن بر شمرد. (روزنامه رسمی، ش ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴؛ همچنین مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، ص ۸۳)

این شورا دو ماه پس از آن (۱۳۵۹/۴/۱۹)، با تصویب لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی، به تشریح کارکردهای این سازمان پرداخت و ضمن آنکه ایفای نقش نظامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی را مورد بیشترین تأکید قرار داد، از نظر سازمانی نیز آن را زیر نظر رهبر و وابسته به ریاست جمهوری اعلام کرد. (روزنامه رسمی، ش ۱۵۱۶۴-۱۳۵۹/۴/۲۵؛ همچنین مجموعه قوانین ۱۳۵۹، صص ۲۸۶-۱۸۴)

شورا به منظور یکنواخت کردن تشکیلات متعدد مذکور، ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی را در سازمان جدیدالتأسیس بسیج ملی تصویب کرد (مجموعه قوانین و مقررات، ص ۱۳۵۹، ص ۲۹۴) و در نهایت با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ویژه «دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله به هرگونه تهدید»، مجلس شورای اسلامی نیز مقرر کرد که سازمان مذکور که عملاً به «بسیج مستضعفین» تغییر نام داده بود، تحت عنوان «واحد

بسیج» در سپاه ادغام شود. (روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، صص ۵۲۳-۵۲۲)

بر اساس ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی (مستضعفین) مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۹ شورای انقلاب، «آموزش و سازماندهی همه افراد داوطلب» به منظور مقابله با تهدید و تجاوز داخلی و خارجی و «ایجاد آمادگیهای لازم در مردم» برای مقابله با آثار ناشی از وقوع سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه» به صورت کلی و عام مطرح شد. از طرف دیگر، لایحه قانونی راجع به ادغام سازمان بسیج ملی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۱۸ (روزنامه رسمی کشور، ش ۷۱۶۲۴-۷۱۶۲۹/۱۱/۵۹)، سازمان بسیج را به عنوان بخشی شناخته شده از سپاه و به عنوان «نیروی مقاومت بسیج» تبدیل کرد که تابع ضوابط و مقررات کلی نیروهای مسلح و همچنین موازین حقوقی خاص این نیرو به شرح قوانین و مقررات و مصوبات فرماندهی کل قوا و فرماندهی کل سپاه خواهد بود. از این پس، قوانین و مقررات خاصی در رابطه با مأموریت‌های بسیج به تصویب رسیده که متن کامل آنها توسط سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج تدوین و منتشر شده است. (ترابی و روحی، ۱۳۷۹)

بنابراین، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «بسیج عمومی» متشکل از تمامی اقشار و اصناف و با دو کارویژه همزمان نظامی و غیرنظامی، پایه‌ریزی شد تا با اتکا به توان اراده عمومی و قدرت مشارکت آنها، با موقیتهایی که چه به لحاظ تهدید امنیتی یا بحران ناشی از حوادث و سوانح، منافع عمومی را در مخاطره قرار می‌دهند، برخورد شود. در واقع؛ شکل‌گیری این بسیج به معنای قبول نقش بی‌نظیر اراده عمومی و مشارکت ملی در حل بحرانها و موقیتهای اضطراری است. برای اجتناب از تکرار مطالب، در بخش دیگر ضمن تشریح کارویژه‌های بسیج از منظر نظام حقوق موضوعه، به برخی از این اسناد اشاره خواهیم کرد.

۲- کارکردها و مأموریت‌های عمده بسیج، پرتوهای نظم حقوقی

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، به نظر می‌رسد که کارکردهای حاصل از انجام مأموریت‌های بسیج را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. بخشی از این موارد چنان واجد

اهمیت هستند که قانون اساسی و قوانین ارگانیک^۱ راجع به عملی کردن اصل یکصد و پنجاه یکم، بر آنها تأکید داشته و در صدر وظایف بسیج در مجموعه سازمانی سپاه قرار دارند (کارکردهای اصلی). در کنار آن، بسیج به عنوان نیروی مردمی که تعداد زیادی از اқشار و اصناف مختلف جامعه را تحت پوشش قرار داده، دارای قابلیت‌ها و ظرفیتهایی است که از دید قانونگذار ایرانی مغفول نمانده است. این سلسله قابلیت‌ها، موجب افزایش مأموریت بسیج در جهت پشتیبانی از حسن انجام وظایف قانونی سایر نهادها شده است (کارکردهای ثانوی و پشتیبانی).

در این بخش، به صورت مختصر به مهمترین این کارکردها با استناد به موازین حقوقی ذی‌ربط اشاره خواهیم کرد. طبیعی است که قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله نیز بخشی از همین منابع هستند، با این اختلاف که قوانین برنامه، نگاهی برنامه‌ریزانه داشته و متناسب با تحولات ساختاری در عناصر و چشم‌انداز توسعه، از انعطاف‌پذیری لازم برخوردارند. این انعطاف ممکن است به تغییر اولویت کارکرد سازمانهای دولتی کشور (کشوری و لشکری) منتهی شود.

الف) کارکردهای اصلی بسیج در سازماندهی امور عمومی

اصلاح ساختار فرهنگ اجتماع به ویژه با در نظر گرفتن ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی، یکی از مهمترین دلمشغولیهای دولتمردان کشور بوده است. تکیه بر نقش بسیج در حصول این غایت، به دلیل وجاهت بسیج در میان عموم افراد جامعه چه به لحاظ گستره وسیع مردمی آن و چه به جهت نگاه ویژه بسیج به تأمین منافع عمومی و حمایت از آنها در کنار حفظ نظم عمومی بوده است. همین امر سبب شده است که حضور مؤثر بسیج در فرهنگ‌سازی انقلابی و مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهمترین دغدغه‌های این نیرو باشد.

در کنار این امر، بسیج به عنوان یک سازمان نظامی و بخشی از نیروهای مسلح،

۱- قوانین ارگانیک یا سازمان دهنده، قوانینی هستند که توسط مجلس برای اجرای آن دسته از اصول قانون اساسی که قانونگذار صراحتاً تدوین قانون در آن رابطه را الزامی دانسته، تصویب می‌شود. سایر قوانینی که به تشخیص مجلس تصویب می‌شوند، قوانینی معمولی تلقی می‌شوند. بنابراین قوانین عادی شامل قوانین ارگانیک و معمولی هستند.

مأموریت دارد از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور دفاع کرده و با تهدیدهای داخلی و خارجی مقابله کند. از این رو، اصول و ضوابط حاکم بر حضور فعال در صحنه‌های نبرد و آمادگی برای ایفای این نقش، در رأس کارویژه‌های بسیج قرار دارد. از سوی دیگر، بسیج به دلیل خصایصی که دارد (به ویژه مردمی بودن)، برخی از وظایف مربوط به دفاع از مردم در برابر مخاطرات طبیعی و پیامدهای وقوع جنگ و بحران را نیز برعهده دارد. با توجه به تجارب وقوع برخی بحرانها نظیر وقوع سوانح و حوادث طبیعی در سالهای گذشته، بسیج ثابت کرده که کارآمدترین سازمان به منظور امدادسانی و تأمین اهداف بشردوستانه در دفاع از قربانیان و آسیب‌دیدگان این حوادث و مخاطرات ناشی از آنهاست.

این سه مورد را به عنوان محورهای اساسی کارویژه بسیج در پرتو نظم حقوقی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایی) مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد تا مشخص شود که برنامه‌های توسعه در تعقیب این کارویژه‌های اصلی، چه میزان موفق بوده‌اند.

۱- الف) کمک به سازماندهی امور فرهنگی و سیاسی

ماده ۱ لایحه قانونی شورای انقلاب راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی (۵۹/۵/۱۰) با تفسیر موسع از «تهدید و تجاوز»، به صراحت مقرر کرده است که مأموریت دفاعی و نظامی بسیج، شامل دفاع فرهنگی نیز می‌شود. بر اساس این ماده:

در اجرای فرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ایجاد، آموزش و بسیج ارتش بیست میلیونی جهت پیشگیری و مقابله با هرگونه تهدید و تجاوز نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ... سازمانی به نام سازمان بسیج ملی زیر نظر فرمانده کل قوا ... تشکیل می‌گردد.

به عبارت دیگر؛ حرکت جامعه به سوی اهداف و مقاصد عالی پیش‌بینی شده که تعالی فرد و اجتماع در مسیر سعادت است، نظمی را طلب می‌کند که وظیفه اصلی کلیه نهادهای عمومی، برقراری و صیانت از آن است. نظم فرهنگی یا آرامش و امنیت مردم از لحاظ فرهنگی، یکی از شرایط و لوازم حرکت عادی و طبیعی فرد و اجتماع است که تأمین آن بر عهده نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. بدیهی است که تهدید و تجاوز بیگانه و حتی تهدید داخلی علیه امنیت کشورها تنها به اقدامات نظامی محدود

نمی‌شود، بلکه تاریخ به خوبی مؤید این مطلب است که در اغلب موارد، این تهدیدها و تجاوزها در ابعاد دیگری؛ یعنی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت گرفته است. خساراتی که ملتها از رهگذر فرهنگی متحمل می‌شوند بسیار عمیق‌تر و دامنه‌دارتر از آسیبهای محسوس ناشی از حملات نظامی است.

امام راحل، مأموریت بسیج را در «پیشگیری و مقابله» با «تهدید و تجاوز» نه تنها در ابعاد نظامی، بلکه در مقیاس فرهنگی و سیاسی نیز مدنظر داشتند. بسیج به لحاظ ترکیب خاصی که دارد (ارتباط عمیق با مردم در سطوح و اقشار مختلف)، بهترین ظرفیت فرهنگی را دارا بوده و نه تنها می‌تواند به تقویت و ارتقای فرهنگی و حتی فرهنگ‌سازی مبادرت ورزد، بلکه توانایی صیانت از فرهنگ ملی و اسلامی در قبال تهاجمهای بیگانه را نیز دارد.

در هر حال، مأموریت‌های بسیج در قبال تأمین و حفظ امنیت فرهنگی و حتی سیاسی، در کلیه موازین حقوقی ناظر بر بسیج مورد تأکید قرار گرفته و این امر از مأموریتها و کارویژه‌های اصلی بسیج تلقی می‌گردد. به همین دلیل است که اعمال قاعده «ممنوعیت مداخله نظامیان در امور سیاسی» در مورد بسیج وضعیتی منحصر به فرد یافته است. با توجه به اینکه شکل‌گیری بسیج، مبتنی بر اهداف سیاسی می‌باشد؛ لذا بخش مهمی از کارکردهای آن هم امر سیاسی است، اعمال قاعده مذکور در مورد پرسنل بسیج بسیار دشوار است.

۲- الف) اتخاذ تدبیر و ابتکار عمل در پرتو راهبردهای دفاعی
مهمترین دلیل و مبنای ضرورت بخش تشکیل نیروی مقاومت بسیج، تشکیل ارتش بیست‌میلیونی به منظور دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با هرگونه تهدید داخلی و خارجی بوده است. این امر را می‌توان از نخستین منابع حقوقی راجع به سازماندهی و بسط فعالیت بسیج استنباط کرد. فرمان امام(ره)، اصل ۱۵۱ قانون اساسی و کلیه قوانین در دو دهه انقلاب اسلامی و فرامین سلسله مراتب فرماندهی، این امر را در صدر مأموریت‌های بسیج تشریح کرده‌اند.

در این میان، اصل ۱۵۱ قانون اساسی وضعیت ویژه‌ای دارد. این اصل به گونه‌ای تقریر شده که اساساً، بسیج را نیرویی دفاعی تلقی کرده است که اولاً؛ دفاع را در گسترده‌ترین سطح یعنی «مردم» در نظر داشته است. ثانیاً؛ تبدیل دفاع به امری مردمی و

عمومی را دنبال کرده است. ثالثاً؛ توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهور اسلامی ایران را مهمترین مأموریت این نیرو محسوب کرده و سایر کارکردهای و مأموریتها را به قوانین پایین تر محول نموده است.

در کنار ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی، که نخستین مصوبه موضوعه در مورد بسیج پس از انقلاب اسلامی است، کارکرد نظامی بسیج به صراحت و تفصیل بیشتر بیان شده و با ذکر وظیفه دینی هر فرد مسلمان در خصوص آمادگی کامل برای دفاع و جهاد (اصل ۱۵۱ قانون اساسی) و مقتضیات انقلاب اسلامی و ضرورت تجهیز ملت ایران علیه دشمنان ایران و انقلاب اسلامی، آن را به پیروی از فرمان امام (ره) فرمان داده است.

نکته منحصر به فردی که در این ماده وجود دارد، این است که قانون اساسی در اغلب منابع قانونی مربوط به بسیج، صرفاً به مسأله دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدهای خارجی و داخلی اشاره کرده‌اند، اما ماده ۱ مذکور با الهام از جایگاه آمادگی رزمی در فقه اسلامی، هم آن را ناظر بر دفاع از کیان اسلام دانسته و هم حالت جهاد را مطرح کرده است. ضمن اینکه در ماده ۲ نیز که به شرح وظایف کلی بسیج اختصاص دارد، «مبارزه و دفاع در برابر تجاوز، تهدید و دخالت دشمنان خارجی و عوامل سرسپرده داخلی آنان» مورد تأکید قرار گرفته است.

همین مأموریت‌های دفاعی بسیج است که فرصتهای مهمی را برای حضور و اقدام فعالانه بسیج در تدوین استراتژی دفاعی کشور به ویژه در قبال دفاع شهری، اقدامات مقاومت مردمی، امداد و نجات در طول درگیری و بحران جنگی، فراهم می‌سازد. قانون برنامه چهارم با تبیین کلیات و اصول عمده حاکم بر این راهبرد، جزئیات آن را به هم‌اندیشی نهادهای دفاعی محول کرده است که تأمل و اندیشه سریع بسیج (و سایر نهادهای ذی‌ربط) را طلب می‌کند.

۳- الف) تأمین اطمینان‌بخش دفاع غیرنظامی و کارکرد بشردوستانه و امدادرسانی نیروی مقاومت بسیج، یک نیروی مردمی و دومنظوره در حالت جنگ و صلح است. سابقه نخستین تشکیلات مسئول دفاع غیرنظامی در ایران، به «سازمان دفاع غیرنظامی» برمی‌گردد که در موازات سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی به منظور تمهید توان

ملی (در سطوح دولتی و غیردولتی) برای مقابله با رویدادهای اضطراری اعم از وضعیتهای ناشی از درگیری مسلحانه و یا ناشی از حوادث طبیعی یا انسانی در زمان صلح فعالیت می‌کردند و ابتدا زیر نظر نخست‌وزیری و سپس وزارت کشور قرار داشتند.^۱ با این حال، سازماندهی اقدامات بشردوستانه قبل از انقلاب به گونه‌ای بوده که این نهادها و نیروهای آنان، از فعالیت نظامی و دفاعی ممنوع بودند.

شورای انقلاب اسلامی در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام «بسیج ملی» زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست میلیونی به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی، مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن برشمرد و بدین ترتیب، اقدامات بشردوستانه تنها به عنوان یکی از حوزه‌های ضروری اقدام بسیج تلقی شد (روزنامه رسمی، ش ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴؛ همچنین: مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور، ۱۳۵۹، ص ۸۳). در واقع؛ بسیج به عنوان نیرویی دو منظوره که در عین فعالیتهای نظامی و اجرای فرامین فرماندهی کل قوا، اقدامات امداد و نجات را در حالت جنگ و صلح به انجام می‌رساند، پیش‌بینی شد.

این شورا دو ماه پس از آن، به تشریح کارکردهای این سازمان پرداخت؛ ضمن آنکه ایفای نقش نظامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی مورد بیشترین تأکید قرار گرفت، از نظر سازمانی زیر نظر رهبر و وابسته به ریاست جمهوری اعلام شد (مجموعه قوانین، ۱۳۵۹، صص ۲۸۶-۲۸۴). سپس به منظور یکنواخت کردن تشکیلات متعدد مذکور، شورا ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی در سازمان جدیدالتأسیس بسیج ملی به تصویب رسید (مجموعه قوانین و مقررات، ۱۳۵۹، ص ۲۹۴) و نهایتاً با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به ویژه «دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله با هرگونه تهدید»، مجلس شورای اسلامی نیز مقرر کرد که سازمان مذکور که عملاً به «بسیج مستضعفین» تغییر نام داده بود، تحت عنوان «واحد بسیج» در نیروی مذکور ادغام شود. (روزنامه رسمی، ۱۳۵۹، صص ۵۲۳-۵۲۲).

این وابستگی نهادی و کارکردی در سایر منابع حقوقی کشور نیز استمرار یافته

۱- ر.ک. به: مصوبه ۱۳۵۳/۱۲/۱۹ در مورد قانون تشکیل سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۵/۱/۲؛ همچنین: قانون اصلاح موادی از قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور، مصوب ۱۳۵۶/۱/۳۰.

است. بر اساس ماده ۷۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (روزنامه رسمی، ش ۱۳۶۰۲-۱۳۷۰/۸/۲۷)، سپاه موظف است در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی، واحدهای سازمان یافته بسیج فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سازندگی را ایجاد و در اختیار دستگاههای اجرایی قرار دهد. این اقدام مربوط به زمان صلح بوده و در زمان جنگ و بحران، اعضای بسیج مطابق با سیاستهای ابلاغی از سوی ستادکل به کار گرفته می‌شوند. همچنین بسیج به عنوان یکی از ساختارهای زیرمجموعه سپاه است و یکی از اقسام کارکنان سپاه را اعضای بسیج تشکیل می‌دهند. این افراد از نظر سطح همکاری با سپاه و تلاش برای تحقق اهداف و مأموریتهای آن به سه دسته عادی، فعال و ویژه (پاسدار افتخاری) تقسیم می‌شوند.

در ماده ۶۱ نیز مقرر شده که آموزش دفاع غیرنظامی تنها یک بخش از محتوای دروس آموزشی نیروهای عادی و فعال بسیج است و بخشهای دفاع نظامی و همچنین مقاومت محلی نیز از جمله دروس آموزشی محسوب می‌شوند. وزارت آموزش و پرورش نیز موظف است با همکاری سپاه، دوره‌های آموزش دفاع نظامی، غیرنظامی و مقاومت محلی را به عنوان دروس اجباری در بین محصلین مقاطع مختلف تحصیلی اجرا کند (قانون مقررات استخدامی سپاه، ماده ۶۴). این آموزش برای زنان به ویژه در زمینه امداد، پشتیبانی، مقاومت محلی و دفاع غیرنظامی خواهد بود (تبصره همان ماده و تبصره ۲ ماده ۶۶).

در هر حال، در کلیه مصوبات قانونی و فرامین فرماندهی پیرامون بسیج، بلافاصله پس از تبیین مأموریتهای نظامی یا دفاعی بسیج به عنوان یک بخش از سپاه پاسداران، فعالیتهای بشردوستانه آن که در نهایت به حمایت از مردم در شرایط بحرانی و سوانح طبیعی یا جنگ برمی‌گردد، تأکید شده و در طول سالهای گذشته، چه بسا این سلسله فعالیتهای بسیج عملاً دست کمی از عملکرد آن در انجام مأموریتهای نظامی نداشته است. بسیج همواره در جهت کاهش آثار این وضعیتهای اضطراری و کمک به آسیب‌دیدگان، پیشقدم و پیشرو نهادهای مختلف بشردوستانه در کشور بوده است.

ب) کارکردهای ثانوی و پشتیبانی در امور حاکمیتی

در کنار مأموریتهای سه‌گانه مذکور که به صراحت در اسناد بنیادین تشکیل و

سازماندهی بسیج تصریح شده است، آشنایی بهتر با ظرفیتها و پتانسیلهای بسیج در گذر زمان موجب شد که قانونگذار در برخی از موارد دیگر نیز مأموریت و شأنی قانونی برای فعالیت و اقدام نیروی مقاومت بسیج پیش‌بینی کند.

این مأموریتها بیشتر حالت پشتیبانی و کمک به سایر نهادهای دولتی در انجام وظایفشان داشته و دارد. اقدام نیروی مقاومت بسیج در جهت تکمیل نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور، پشتیبانی قضایی و تسهیل نقش دستگاههای قضایی و انتظامی در برخورد با جرایم و تأمین نظم عمومی از مهمترین مأموریتهای ثانوی و کمکی می‌باشد که در منابع حقوقی خاص، به تفصیل بیان شده است. البته در قوانین ناظر بر برنامه‌های توسعه، انتظار می‌رود که مأموریتهای اصلی بسیج به دقت مورد توجه قرار گیرد. تغییر مأموریتهای ثانوی متناسب با شرایط و کارویژه‌های جدید نهادهای مختلف، تأثیری بر موقعیت قانونی و عملی بسیج در تأمین رسالت‌های تکوینی خود ندارد، هرچند بی‌توجهی به پتانسیلهای بسیج در کمک و مساعدت به تأمین اهداف اصلی و کارویژه‌های عمده سایر نهادهای دولتی نیز از نظر مدیریت بهینه منابع و ارتقای اثربخشی حاکمیت، چالش‌پذیر است. این نقش‌آفرینیهای ثانوی ولی مهم و مؤثر، از یک سو پشتیبانی قضایی و انتظامی و شئون ضابطی و از سوی دیگر، پشتیبانی اطلاعاتی و امنیتی هستند.

بسیج موظف به اقدام برای تأمین امنیت ملی است. پیشگیری و مقابله با تهدید و تجاوز، در این راستا معنای دقیق دارد. گسترش دامنه جرائم، به ویژه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی یا وضعیتهای بحرانی، از جمله مصادیق ناامن‌سازی فضای جامعه می‌باشند که موجب شکل‌گیری «تهدید» می‌شوند.

در این خصوص، دو وضعیت متفاوت وجود دارد: اولاً؛ مقابله با جرائم و ناامنی و آشوب داخلی در حدی که موجب بی‌نظمی شود، وظیفه دستگاههای انتظامی است که با تشکیل پرونده‌های کیفری، مراتب را جهت تعیین تکلیف نهایی، به قوه قضاییه ارجاع می‌دهند. ثانیاً؛ بسیج به دلیل اینکه سطح وسیعی از جامعه را در بر دارد، هم از جهت اطلاعاتی، عوامل ظهور این ناامنی‌ها را آسانتر و سریعتر از دیگر نهادها احراز می‌کند و هم اینکه در خصوص نوع اقدام مؤثر می‌تواند راهنمای مؤثری برای نوع عکس‌العمل قضایی و انتظامی باشد. از طرف دیگر، اقدام مؤثر در برابر جرائم مشهود و همچنین

اتخاذ اقدامات مناسب به منظور جلوگیری از امحای آثار و ادوات جرم نیز مقتضی این است که بسیجیان در صورت مشاهده آنها، احساس مسئولیت کرده و مادامی که نیروهای ویژه قضایی و انتظامی وارد عمل نشده‌اند، به نمایندگی قانونی و به عنوان ضابط خاص نظامی، اقدام کنند.

در هر حال، بر اساس قوانین و مقررات موجود، پرسنل بسیجی به عنوان ضابط قضایی می‌توانند با جرائم مشهود برخورد کرده، ضمن تشکیل پرونده مقدماتی، آن را جهت اقدام قضایی به دادگاه صالح ارجاع دهند. ماده ۱ قانون نحوه قضایی از بسیج (۱۳۷۱/۱۰/۱) به صراحت این کارکرد را «جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی» که در واقع پشتیبانی از اقدام قوه قضاییه است، عنوان کرده است. این ماده به نوع مأموریت بسیج در موارد مذکور، ایفای نقش «ضابط» اطلاق نموده است. (ترابی و روحی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۹)

این کارکرد در سایر موارد، نظیر جمع‌آوری تجهیزات دریافت از ماهواره، نیز بر اساس قانون مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۳ به تأیید مرجع قانونگذاری رسیده است. در خصوص مقابله با موادمخدر و کشت این موارد نیز نیروهای بسیجی، مکلف به اعلام سریع موضوع هستند و پایگاههای بسیج نیز به اتفاق نماینده دادستان باید در خصوص مقابله با موارد مذکور، اقدام قانونی را به عمل آورند. (مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۳/۱۳۶۷/۸ مجمع تشخیص مصلحت)

از آنجا که مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی مستلزم اخذ و کسب اطلاعات و استفاده از آنها به منظور تبیین راهکارهای عام و خاص پیشگیری و مقابله است، بسیج در کنار نهادهای تخصصی اطلاعاتی و امنیتی، ضمن جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات واصله، با اعلام مراتب به سلسله مراتب فرماندهی نیرو، گزارشهای لازم را جهت اطلاع و اقدام مقتضی تخصصی، به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ارسال می‌کند. این فعالیتها که پشتیبانی از تأمین ملاحظات امنیتی در کشور در راستای حفظ امنیت داخلی و خارجی است، در زمان فعالیت کمیته‌های انقلاب اسلامی به صراحت پیش‌بینی شده بود (ماده ۲ اساسنامه کمیته‌های انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۴). در شرایط کنونی نیز کلیت وظایف و مأموریت‌های ذاتی بسیج در حوزه دفاع و تأمین امنیت ملی، زمینه

اقدام قانونی در این راستا را فراهم کرده است.

بند دوم: بسیج در پرتو قانون برنامه سوم توسعه؛ قابلیتها و فعلیتها

با توجه به اینکه برنامه‌های توسعه، یک قانون معمولی نبوده بلکه افقهای فعالیت دولت و بخشهای مختلف دیگر نهادها را در چشم‌اندازی پنج‌ساله ترسیم می‌کنند، مناسب است که نگاه این قوانین را به صورت مجزا بررسی کنیم. همان‌طور که در بندهای ذیل خواهیم دید، این قانون مناسبترین قانون توسعه‌ای و میان‌مدت کشور در تدوین افقهای فعالیت اثربخش بسیج و حضور فعال آن در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی با هدف حصول اهداف عالی نظام سیاسی و تأمین منافع ملی و مصالح عمومی بوده است.

تکیه بر ظرفیتهای جوان بسیج به عنوان تمهیدی در ساماندهی امور عمومی، توسعه بسیج و افقهای تحقق ارتش بیست میلیونی، تحکیم مبانی معرفت دینی و پیش‌بینی بسیج در برنامه‌های توسعه شهری، چهار محوری هستند که قانون برنامه سوم بر آنها تأکید ورزیده است. در اینجا به محورهای چهارگانه مذکور خواهیم پرداخت.

۱- ظرفیتهای جوان بسیج، تمهید ساماندهی امور عمومی

در ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه، نیروی مقاومت بسیج به منزله یکی از دستگاههای دولتی تلقی شده که نقش و مأموریتی اساسی در رابطه با امور جوانان دارد؛ لذا ساماندهی جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی باید با در نظر گرفتن نقش و مأموریت این نیرو صورت پذیرد. این ماده مقرر می‌دارد:

با عنایت به اهتمام ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به مسائل جوانان و اعتلای رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و تواناییهای این نسل عزیز، مرکز ملی جوانان به منظور ساماندهی اساسی امور جوانان کشور به صورت ساختار و سازمان کل متناسب با این مأموریت به سازمان ملی جوانان تبدیل می‌گردد تا وظایف اساسی ذیل را بر عهده گیرد:

الف - سازمان ملی جوانان موظف است برنامه جامع ملی ساماندهی امور جوانان کشور با عنایت به جایگاه نقش و مأموریتهای اساسی دستگاههای

مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان نظیر نیروی مقاومت بسیج و توجه اساسی به نیازهای جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی را تهیه و تدوین نماید.

ب - شناسایی و پیگیری واگذاری آن دسته از فعالیتهای دستگاههای اجرایی که می‌تواند با پیش‌بینی تمهیدات لازم از طریق سازمانهای غیردولتی جوانان انجام گیرد.

ج - برای تحقق مواردی که نیاز به تهیه طرح دارد، سازمان ملی جوانان برحسب مورد طرحهای لازم شامل اهداف، اصلاحات سازمانی، تسهیلات مالی، حمایتیهای اجرایی از تشکلهای غیردولتی را تهیه نماید.

بنابراین، قانوناً یکی از حوزه‌های فعالیت نیروی مقاومت بسیج، امور مرتبط با جوانان است. بسیج می‌تواند با استناد به بند الف این ماده، ضمن همکاری با سازمان ملی جوانان، زمینه‌های تشکل سازمانهای غیردولتی جوانان را در سطح بسیج فراهم سازد و یا اولویتهای بسیج را در امور جوانان از طریق این سازمان به اجرا درآورد. سازمان ملی جوانان نیز باید اقدامات خود را در خصوص سازماندهی و سامان‌بخشی به فعالیتهای جوانان، با کارویژه‌های قانونی بسیج هماهنگ کند. به عنوان نمونه، کسب مجوز برای تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی جوانان در حوزه‌های مرتبط با بسیج می‌تواند از سازمان ملی جوانان (که بر اساس ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه و آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی مصوب هیأت وزیران، مرجع صدور مجوز تأسیس این سازمانهاست) (نیلا، ۱۳۸۳، صص ۳۴-۲۴) به بسیج تفویض گردد. (ساعر و نیلا، ۱۳۸۳، صص ۵۵-۵۴)

۲- توسعه بسیج و افقهای تحقق ارتش بیست میلیونی

تغییر بنیادهای امنیت‌سازی و حفظ امنیت موجود از «نهادهای حکومتی»، به ویژه اطلاعاتی و نظامی به «بخشهای مردمی» که به مردمی کردن تأمین امنیت ملی موسوم است، به خوبی مورد توجه قانونگذار در تدوین برنامه سوم توسعه قرار داشت. به همین دلیل، ماده ۱۷۵ به این امر اختصاص یافت و در این خصوص غایت تشکیل بسیج؛ یعنی «تشکیل ارتش بیست میلیونی»، سبب شد که بار اصلی تأمین این رسالت بر عهده بسیج قرار گیرد.

ماده ۱۷۵ قانون برنامه سوم با بسط دامنه ماده ۱۵۷ در خصوص جوانان و نوجوانان، با محوریت ایجاد بسترهای مناسب‌تر به منظور تشکیل ارتش بیست میلیونی و مردمی کردن دفاع و تأمین امنیت ملی، چنین مقرر کرده است:

به منظور تحقق آرمانهای حضرت امام خمینی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کلی قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی و ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و اشاعه تفکر بسیجی و مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین:

الف - هزینه‌هایی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی صرف تقویت و توسعه راه‌های مقاومت ارتش بیست میلیونی به ویژه احداث و تکمیل پایگاههای مقاومت بسیج می‌شوند، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شوند.

ب - دولت موظف است یک درصد از سود ناخالص کلیه مؤسسات دولتی را جهت توسعه بسیج، به نیروی مقاومت بسیج پرداخت نماید.

ج - دولت موظف است به منظور تحقق پنجاه درصد طرح جامع ارتش بیست میلیونی، امکانات و تجهیزات مربوط را در برنامه سوم پیش‌بینی نماید.

د - ادارات و کارخانجات موظفند امکانات، تجهیزات و اعتبارات لازم برای فعالیتهای جاری رده‌های مقاومت بسیج مربوط به خود را تأمین نمایند.

ه - در پنج ساله سوم توسعه، رده‌های مقاومت بسیج و کانونهای فرهنگی و هنری بسیج از حق انشعاب آب، برق، گاز و یک خط تلفن مورد نیاز در ساختمانهای جدیدالاحداث معاف می‌باشند.

به عبارت بهتر، همان‌طور که از صدر این ماده به روشنی پیداست، سلسله اقدامات پنج‌گانه مذکور در بندهای فوق، به منظور تحقق اهداف مهمی پیش‌بینی شدند که در بسیاری از موارد با ملاحظات امنیت ملی کشور عجین شده و از پایه‌های راهبرد ملی نیز تفکیک‌ناپذیرند. این اهداف عبارت بودند از:

- تحقق آرمانهای حضرت امام خمینی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی؛
- ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی،

فرهنگی و دفاعی؛

- اشاعه تفکر بسیجی؛

- مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین.

اهداف مذکور، حالت مقطعی و موقت نداشته و در پایان برنامه سوم نیز اقدام در راستای تحقق آنها، ضروری و معنادار است. اما همان‌طور که در ذیل خواهیم دید، در برنامه چهارم استمرار مقررات این ماده مورد تأیید و تأکید قرار نگرفته است.

۳- بسیج و تحکیم مبانی معرفت دینی

ماده ۱۵۹ قانون برنامه سوم نیز یکی دیگر از اولویتهای فرهنگی - دینی را که به صورت عمیق با بسیج در ارتباط است بیان می‌کند:

برای اعتلای معرفت دینی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای امام راحل و رهنمودهای مقام معظم رهبری در تحکیم مبانی ارزشهای انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه به ویژه در جوانان و نوجوانان، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش ... نیروی مقاومت بسیج و سایر دستگاههای دولتی مکلفند اقدامات مشخص در بندهای (الف تا ه) را به عمل آورند.

این ماده از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً؛ نقش بسیج و مأموریت ذاتی آن را در فرهنگ‌سازی و تحکیم مبانی معرفت دینی در جامعه، مورد شناسایی و تأیید مجدد قرار داده است. ثانیاً؛ وجود نهادهای فرهنگی خاص، نظیر آموزش و پرورش یا فرهنگ و ارشاد اسلامی را در کنار لزوم ایفای وظایف قانونی و ذاتی بسیج در امور فرهنگی و دینی پیش‌بینی کرده است. این در حالی است که در مواد ۱۰۶ و ۱۰۸ قانون برنامه چهارم که جایگزین این مواد می‌باشد، هم وظایف نهادهای دولتی به صورت کلی‌تر و نامحسوس تبیین شده و هم اینکه از تصریح به کارویژه‌های بسیج، خودداری و به جای آن تکلیف «دولت» به ساماندهی امور فرهنگی و ارتقای عمل به ارزشهای دینی در جامعه مقرر شده است.

۴- بسط سازمان و مدیریت بسیج متناسب با برنامه‌های توسعه شهری

یکی از بسترهای تعمیق و بسط بسیج در جریان تحولات کمی و کیفی اجتماع، پیش‌بینی فعالیت بسیج متناسب با گسترش شهرک‌سازیاها به ویژه در حاشیه شهرهای

بزرگ است. ذهن فعال قانونگذار سوم و کارشناسان تهیه‌کننده پیش‌نویسهای آن، از تأمل در این خصوص اغفال نورزید و ماده ۱۶۳ (بند ب) قانون برنامه سوم به صورت صریح و شفاف به تبیین این امر اختصاص یافت. بر اساس این ماده:

وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها موظفند در کلیه شهرکهای جدیدالاحداث، اراضی مناسب را برای احداث پایگاههای مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی، بدون هزینه در اختیار متقاضیان قرار دهد.

با اینکه قانونگذار در اغلب موارد، موادی از قانون برنامه سوم را در طول سالهای ۸۸-۱۳۸۴ نیز قابل اجرا دانسته، اما متأسفانه مسأله مذکور در بند "ب" ماده ۱۶۳ مورد تأیید مجدد قرار نگرفته است. با اینکه در همین بند نیز ضعفهای قانون چهارم در مقایسه با قانون برنامه قبل، به صورت کلی بیان شد اما اکنون باید به تفصیل دید که قانون اخیر با چه رهیافت و در پرتو رویکردی (پررنگ کردن حضور بسیج در امور عمومی یا تمرکز دادن آن به نقشهای عمدتاً نظامی)، فرایند اقدام و فعالیت بسیج در طول این پنج‌سال را ترسیم نموده است. خواهید دید که برنامه چهارم، وضعیت شناخته شده در برنامه سوم را ارتقا نداده بلکه تقلیل داده است.

بند سوم: قانون برنامه چهارم توسعه و چشم‌انداز پنج سال فعالیت بسیج

جمهوری اسلامی ایران تاکنون سه برنامه توسعه پنج‌ساله و مدون را تجربه کرده است. با نزدیک شدن دوران خاتمه مدت اجرای برنامه سوم توسعه، دولت (به معنای قوه مجریه که در این نوشتار صرفاً بدین عنوان به کار خواهد رفت) درصدد تدوین برنامه چهارم برآمد. نهایتاً متعاقب بررسیهای متعدد کارشناسی و طرحهای ارائه شده از سوی نهادهای مختلف دولتی، پیش‌نویس برنامه چهارم در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و جهت طی مراحل قانونی، به کمیسیون لوایح دولت تقدیم شد. هیأت وزیران بر اساس چشم‌انداز توسعه بیست ساله کشور (مصوب مقام معظم رهبری)، برنامه مذکور را با عنوان «رشد پایدار اقتصادی دانایی محور» در اواخر سال ۱۳۸۲ تصویب و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که نهایتاً با بازگشت به مجلس هفتم (حسب نظر مجمع تشخیص مصلحت و به استناد نظریه تفسیری شورای نگهبان درخصوص اصل ۱۱۲ قانون اساسی)، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۱ به تصویب این

مجلس رسید. برنامه به دلیل ایراد مجدد شورای نگهبان، در مجمع تشخیص مصلحت مطرح و پس از رفع اختلاف، ابلاغ آن به تأیید مقام معظم رهبری رسید. (نامه شماره ۹۶/۶۶۹۱۱ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۶، رئیس مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور)

کارویژه‌های بسیج در قالب قانون برنامه چهارم توسعه را از دو منظر می‌توان مدنظر قرار داد. از طرفی اصول کلی ناظر بر مدیریت برخی از امور جامعه (نظیر امور فرهنگی، دفاع و تأمین امنیت ملی) به گونه‌ای است که به کارکردهای اصلی بسیج مربوط می‌شوند و از این جهت، تشریح آنها به منزله بازتعریف این کارکردها در فرازی از چشم‌انداز توسعه بیست ساله کشور خواهد بود. از طرف دیگر، در برخی از موارد، قانونگذار در تبیین برخی از اولویتهای خود به صراحت به نیروی مقاومت بسیج اشاره کرده و برای آن نقش خاص قائل شده است. در این بخش به مجموعه دو محور مذکور خواهیم پرداخت.

۱- شناسایی ظرفیتهای جوان بسیج در راستای سازندگی کشور

تلقی جوانان به عنوان یکی از سرمایه‌های اجتماعی و عناصر عمده پیشبرد برنامه‌ریزی توسعه، به ویژه در کشورهای جوان (نظیر کشورمان)، موجب شده که قانونگذار ایرانی جوان بودن جمعیت کشور را به عنوان نکته‌ای مثبت و پشتوانه تحقق چشم‌انداز توسعه تلقی کند. اساسی‌ترین بخش از قانون مذکور در رابطه با تبیین وضعیت کارکردها و مأموریت‌های بسیج در طول برنامه پنج ساله ۸۹-۸۴، موارد ۱۱۲ و ۱۲۶ است. این مواد در بخش پنجم و زیر عنوان «تأمین مطمئن امنیت ملی» با تأکید بر کارویژه امنیت‌سازی (Security-Building) و امنیت‌بانی (Security-Keeping) بسیج، به نقش و تأثیر جوانان در این فرایند پرداخته است.

ماده ۱۱۲، بر تبیین و تقویت جایگاه جوانان در جامعه به عنوان سرمایه اجتماعی کشور تأکید کرده و ماده ۱۲۶ نیز چنین مقرر نموده است:

به منظور به‌کارگیری جوانان در سازندگی و فعالیتهای اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی ... و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط مجازند در اجرای طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای و خدمات اجتماعی خود از ظرفیت جوانان کشور اعم از تشکلهای غیردولتی جوانان و نیروی مقاومت بسیج استفاده نمایند. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای

مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان ملی جوانان، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

همان‌طور که پیداست، مخاطب اصلی این ماده، دستگاه‌های دولتی غیر از بسیج بوده و از نیروی مقاومت بسیج تنها به عنوان نهادی که جمعی گسترده از جوانان کشور را در بدنه خود گردهم آورده و سازماندهی کرده‌است، یاد شده‌است. در واقع؛ برداشت حقوقی از این ماده این است که، بسیج به عنوان نهادی مملو از ظرفیتهای و قابلیت‌های جوان، قادر است در مهیا کردن شرایط سازندگی کشور از طریق نیروی جوان کشور بیشترین نقش را ایفا کند. به همین دلیل، نهادهای دولتی مجاز شده‌اند که در راستای تحقق سازندگی کشور از طریق جوانان، از این ظرفیتهای استفاده کنند. با این حال، دو ضعف و ایراد اساسی در این ماده در رابطه با موقعیت قانونی و کارویژه‌ای بسیج به چشم می‌خورد:

اولاً؛ بسیج، «مخاطب» اصلی ماده در اتخاذ اقدامات اجرایی و برنامه‌ریزی جهت سازندگی کشور از طریق جوانان بسیجی نبوده و تنها «موضوع» و مهیا کننده اجرای طرح‌های سایر دستگاهها در این رابطه است.

ثانیاً؛ متأسفانه عبارت‌پردازی ماده، با اولویت سازندگی کشور از طریق جوانان تناسب ندارد. در واقع؛ قانونگذار استفاده از ظرفیتهای و قابلیت‌های جوانان در نیروی مقاومت بسیج را تنها به عنوان امری اختیاری و فرصتی یاد کرده‌است. از این رو، دستگاه‌های ذی‌ربط در این خصوص «مکلف» نشده‌اند.

در این صورت، ممکن است دستگاه‌های مذکور از این فرصت استفاده نکنند و چون بر ابتکار خود بسیج هم در این خصوص تصریح نشده، ممکن است قابلیت‌های مذکور همچنان «فعلیت نیافته» باقی بمانند. این در حالی است که جوان بودن سطح وسیعی از جمعیت کشور می‌طلبد که بیشترین تأکید بر استفاده از این نسل در توسعه همه جانبه کشور به عمل آید. امید است که این ضعفها به نحوی در آیین‌نامه اجرایی آن

۱- ایراد بسیار مهم دیگر بر این ماده این است که «استفاده از نیروی خلاق و جوان کشور در امر سازندگی»، که مسأله محوری مندرج در آن ماده است، به «تأمین مطمئن امنیت ملی» چندان ارتباطی ندارد. این ماده می‌بایست در بخشهای دیگر این قانون پیش‌بینی می‌شد تا در پرتو محوریت آن بخشها، فضای تفسیر حقوقی مناسب می‌یافت.

ماده، برطرف گردد.

۲- فرهنگ‌سازی و حمایت از ارزشهای ملی - فرهنگی

بخش چهارم برنامه چهارم، به «صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی» اختصاص یافته و با ۱۵ ماده، یکی از حجیم‌ترین بخشهای آن قانون است که نشان از اهمیت و اولویت مفاد آن از منظر قانونگذار ایرانی دارد.

ماده ۱۰۴ با تأکید بر محوری بودن «توسعه فرهنگی»، وظایف کلیدی نهادهای مختلف را در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی (از جمله بسیج) برشمرده است. با توجه به کلیت این وظایف، برنامه‌ریزی بسیج در طول پنج‌سال آینده باید با در نظر داشتن محورهای کلیدی مذکور صورت گیرد. این محورها عبارتند از:

- حمایت از توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی حاوی اطلاعات و داده‌های فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی؛ (بند ط، ماده ۱۰۴)
- صرف نیم درصد اعتبارات دستگاههای اجرایی به منظور ترویج فضائل اخلاقی و معارف اسلامی و انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی کارکنان خود (بندی) با همکاری وزارت فرهنگ و [بسیج]؛
- ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری (کتابخانه مرکزی، تالار فرهنگی و هنر و ... متناسب با ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی؛ (بند ک)

در ماده ۱۰۶ نیز با تأکید بر عناصر فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری هویت اسلامی - ایرانی، تلاش و ممارست در حفظ این هویت را به عنوان یک ضرورت مهم در چشم‌انداز توسعه همه جانبه کشور تلقی و مقرر کرده است که:

دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگی قرآنی، اقدامهای زیر را به عمل آورد:

- بسط آگاهیها و فضائل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدامهای لازم برای ایجاد فضاهای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن؛

- گسترش فعالیت رسانههای ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با

تهاجم فرهنگی و سالم‌سازی فضای عمومی.

در کنار موارد مذکور که به صیانت از هویت دینی و ملی مربوط می‌شود، بسترسازی برای تولید فرهنگ نیز مطرح شده و ابعاد نرم‌افزاری فرهنگ‌سازی و صیانت فرهنگی در صدر وظایف نهادهای فرهنگی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۱۰۸ قانون برنامه چهارم، دولت موظف است اقدامات لازم را به منظور حصول مقاصد زیر به انجام رساند:

- حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی؛
 - تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز؛
 - تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف؛
 - استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
 - آشناسازی جوانان و تحکیم ارتباط آنان با اندیشه و زندگی امام و آرمان‌های انقلاب اسلامی.
- دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، موظفند حداقل سه درصد از بودجه عملیات فرهنگی و تبلیغی خود را جهت انجام اقدامات مذکور اختصاص دهند.
- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

همان‌طور که پیداست، هر یک از اقدامات فرهنگی مذکور، تلاش منظم و هماهنگ شده‌ای را طلب می‌کند که بدون برنامه‌ریزی در سطوح اجرایی، نهادی و بین بخشی میسر نخواهد بود. بدون شک، بسیج به عنوان یکی از نهادهایی که کارکردهای آن با تأمین امنیت فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی عجین شده است، باید نقش مؤثرتری در این حوزه ایفا کند. ضمن اینکه هماهنگی بین نهادهای مختلف فرهنگی کشور نیز باید تقویت یابد.

با این حال، مواد مذکور خالی از انتقاد نیستند. با اینکه مفاد آنها کلی بوده و ناظر بر

نقش کلیه دستگاههای فرهنگی کشور است، اما در تمهید مقررات اجرایی آن، نقش بسیج مورد بی توجهی قرار گرفته است؛ کما اینکه در ماده ۱۰۸، فعالیتها، ابتکارات و سطح اقدام بسیج در تعمیق شناخت جوانان از اندیشه‌های امام و ارزشهای انقلاب و گسترش قبول و اجرای فرهنگ اسلامی و ارزشهای دینی تصریح نشده و در این خصوص به نهادهای دیگر اکتفا شده است. این در حالی است که در ماده ۱۷۵ قانون برنامه قبل که به تبیین همین موضوع اختصاص داشت، به دقت و صراحت بر نقش نیروی مقاومت بسیج اشاره شده بود.

با اینکه در قانون جدید، «دولت» مکلف به اتخاذ یک سلسله اقدامات فرهنگی و تدوین راهبرد فرهنگی کشور شده، اما ابهام‌زدایی از مقررات و استفاده مناسب از تجارب قانون برنامه سوم می‌طلبید که منظور از دولت در این ماده تشریح می‌شد و به جای این واژه کلی، نهادهای فرهنگی ذی‌ربط، مخاطب این ماده قرار می‌گرفتند. شایان ذکر است که در سراسر قانون برنامه چهارم توسعه (همانند سایر برنامه‌ها)، دولت به معنای قوه مجریه می‌باشد. از این جهت، نیروهای مسلح در کلیت آنها و به ویژه بسیج، از نظر ساختار اداری کشور (طباطبایی، ۱۳۷۵)، جزء دولت به معنای قوه مجریه نبوده، از این جهت از نظر حقوقی نمی‌توان آن واژه را به بسیج و امثال آن تسری داد.^۱

۲- بسط فعالیت سازماندهی شده زنان بسیجی

بسیج خود یک تجمع سازماندهی شده عموم افراد، اقشار و اصناف جامعه به منظور حصول اهداف معین و مشخص است که برآیند آن تأمین نظم و امنیت در جامعه و منافع عمومی خواهد بود. همان‌طور که در تحلیلهای علمی نشان داده شده است (ساعد و تیلا، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۲۴)، امروزه تأمین منافع عمومی و مدیریت امور مختلف و پیچیده اجتماع تنها یک مسأله دولتی نیست، بلکه مردم خود از طریق تشکلهای مردمی و غیرحکومتی نیز می‌توانند در آن سهیم شده و به دولت در این راستا کمک کنند. تشکیل سازمانهای غیردولتی از مهمترین محورهای مطمح نظر در این گستره هستند.

۱- البته فصل نهم قانون اساسی زیر عنوان «قوه مجریه»، شامل دو مبحث است که مبحث دوم آن، «ارتش و سپاه پاسداران انقلاب» است. با این حال، نیروهای مسلح تابع سلسله مراتب فرماندهی کل بوده و ارتباطی به تشکیلات ریاست جمهوری (قوه مجریه) ندارند.

با اینکه کلیات مأموریتها، روشهای انجام آنها و تأمین اهداف تشکیل نیروی مقاومت بسیج، چه در قالب فرامین فرماندهی و چه در پرتو قوانین و مقررات موضوعه، حاکی از امکان گسترش سازمانهای غیردولتی بسیجی از طریق ابتکار و مدیریت نیروی مقاومت (با هماهنگی برخی از دیگر نهادهای دولتی ذی ربط) است، قانون برنامه چهارم نیز با پیش‌بینی تمهیداتی خاص در این رابطه، امکان ابتکار عمل بسیج را افزایش داده است. ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم، مهمترین نص قانونی در بطن فعالیت تشکلهای غیردولتی بسیجی به منظور سازماندهی فعالیتهای زنان می‌باشد. بر اساس این ماده:

دولت موظف است با هدف حمایت و تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور اقدامات زیر را به عمل آورد:
- تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیردولتی و تشکلهای زنان به مجلس شورای اسلامی (بند ب).

بدون شک با توجه به نقش نیروی مقاومت بسیج در تحت پوشش قرار دادن درصدی عظیم از زنان (زنان بسیجی)، اولاً؛ مفاد این لایحه باید با در نظر داشتن اوصاف و خصایص زنان بسیجی و امکان تشکل آنها در قالب سازمانهای غیردولتی باشد و ثانیاً؛ سازماندهی زنان بسیجی در جهت تحقق مأموریتها و اهداف بسیج مردمی، با نظارت نیروی مقاومت بسیج بوده، مرجع صدور مجوز و نظارت کارکردی آنها نیز در بدنه این نیرو پیش‌بینی شود. بدون شک، استقرار این ایده منوط به ابتکار عمل و پیگیری نیروی مقاومت بسیج خواهد بود.

ژئوشناسان و مطالعات فرهنگی

۴- بسیج در گستره دفاع و امنیت ملی

ماده ۱۱۹ نیز همانند مواد پیش گفته، در بخش «تأمین مطمئن امنیت ملی» پیش‌بینی شده است. این ماده به صورت دقیق‌تر به امنیت‌سازی و امنیت‌بانی نیروهای مسلح و بخش دفاعی کشور پرداخته و از این جهت، به امنیت ملی به مفهوم دقیق و مضیق آن نزدیکتر است.

بر این اساس و با در نظر داشتن مواد ۱۲۱ و ۱۲۵ همان قانون، محورهای تکلیف دولت در خصوص تأمین مطمئن امنیت ملی با محوریت فعالیتهای دفاعی به شرح زیر است:

- تعمیق شناخت مؤلفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه‌گری؛ (بند د)
- تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیت و ارتقای احساس امنیت در جامعه؛ (بند و)
- تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی؛ (بند ط)
- آموزش عمومی به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی؛ (بند ۱۱ ماده ۱۲۱)
- تهیه طرح جامع امنیت ملی با بهره‌گیری از ظرفیتهای دستگاههای ذی ربط. (ماده ۱۲۵)

بدون شک، نیروی مقاومت بسیج با تکیه بر قدرت مؤثر عزم و اراده مردمی در دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدها، یکی از مهمترین پایه‌های مطمئن و مؤثر امنیت ملی است. آنچه با عنوان «تعمیق شناخت مؤلفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه‌گری» در بند ۱۱ ماده ۱۱۹ مقرر شده، به حوزه مأموریت بسیج (تقویت توان پشتیبانی و اقدام مردمی در دفاع مسلحانه از کشور در مقابله با تهدید) بسیار مربوط می‌شود.

از طرف دیگر، اتخاذ راهبردهای مناسب به منظور تعمیق مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها در جامعه به جای رویکرد امنیتی و همچنین ارتقای احساس امنیت در جامعه نیز با فعالیت و نقش آفرینیهای بسیج به خوبی حاصل می‌شود. ضمن اینکه این موارد باید در طرح جامع امنیت ملی، که باید حاصل شناسایی منافع ملی امنیتی، مؤلفه‌های قدرت ملی و نحوه حصول این منافع با اتکا بر قدرت ملی باشد، به صورت مناسب مورد توجه قرارگیرد. بدون شک، بسیج یکی از نهادهای مؤثر در تأمین امنیت داخلی بوده و باید در تدوین طرح مذکور مشارکت یابد.

با این حال، به نظر می‌رسد که نگاه تدوین‌کنندگان برنامه چهارم به این مقوله‌ها، با درنظر داشتن جمیع جهات امنیت ملی سازگاری نبوده است. به عنوان مثال، به نقش الزامی بسیج در تدوین طرح جامع امنیت ملی و همچنین ارتقای بخشی از مؤلفه‌های

قدرت ملی هیچ اشاره‌ای نشده است. امید است که وزارت دفاع به عنوان مسئول تدوین روشهای اجرایی ارتقای توان دفاعی کشور و مقابله با تهدیدات (تأمین هوشمندان امنیت ملی)، از دیدگاهها و نقطه نظرات بسیج نیز بهره گرفته و ملاحظات بسیج را نیز مدنظر قرار دهد.

سخن آخر

نظم حقوقی بسان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی حاکم بر روابط اجتماعی که تأمین، حفظ و بهبود نظم و امنیت یا عدالت را غایت خود می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۸)، همانند بستر خود (روابط اجتماعی) تابعی از تحولات و دگرگونیها است. به عبارت دیگر؛ هرچند اصولی غالباً ثابت، پایدار و تغییرناپذیر (بر گرفته از طبیعت یا فطرت انسانی) وجود دارند که ستونهای نظم حقوقی را تشکیل می‌دهند، اما جزئیات قواعدی که به تنظیم امور اجتماعی و روابط در جامعه انسانی همت می‌گمارند، از اصل نسبیّت تبعیت می‌کنند (همان)؛ یعنی قواعدی هستند که بسته به مکان و زمان، از تنوع برخوردارند. «حقوق، علم به الفاظ نیست. حقوق، قانون زندگی است و همان‌گونه که زندگی تغییر می‌کند، قوانین هم تغییر پیدا می‌کنند و با زندگی پیش می‌روند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۲۱)

این تحرک و تغییرپذیری قواعد همانند ثبات نسبی، وصف غیرقابل تردید نظم حقوقی است. به عبارت دیگر؛ نظم حقوقی، تابعی از نظم اجتماعی بوده و باید با آن همساز و رابطه‌ای تعاملی داشته باشد. چرایی قبول این وضعیت، حاصل درک متغیر بودن پدیده‌های اجتماعی (موضوعات و تابعان حقوق) است تا جایی که یکی از اوصاف قانون مطلوب و انطباقی، همین پویایی منابع حقوقی و انطباق آنها با تحولات اجتماعی است (دوورژه، ۱۳۷۰، ص ۲۰). بنابراین، اینکه منابع صوری علم حقوقی (به ویژه قوانین)^۱ باید به تبع تحولات، قابل تغییر و انطباق‌پذیر باشند، از منطقی پذیرفتنی

۱- در خصوص برخی از منابع حقوقی نظیر عرف، دگرگونیها به صورت خود به خود (automatically or ipsofacto) انجام می‌گیرد. در واقع، چون عرف یک سلسله از هنجارهایی است که به صورت خودجوش و از درون روابط اجتماعی ظاهر می‌شود، با تحولات در این روابط، هنجارهای مذکور نیز به صورت خود به خود با تحولات جدید انطباق می‌یابند بدون آنکه به ابتکار قانون یا پیشنهاد رسمی و حکومتی یا طی فرایند معمول در حقوق موضوعه نیاز باشد.

برخوردار بوده و غیرقابل انکار است. از این رو، تغییر و تحول صوری و مفادی قوانین برنامه‌های توسعه از جهات مختلف قابل توجه است. قانون برنامه توسعه، ترسیم چشم‌انداز کلی فعالیت و اقدام مجموعه نهادهای حاکم با هدف تحقق و تسهیل عملی شدن اهداف و افقهای رشد و تعالی است. این سند تابع ملاحظات زمانی بوده و از این جهت، تحولات و تغییراتی در بسترهای اجتماعی و محیط داخلی و خارجی اعمال این برنامه‌ها پدید می‌آید که لاجرم قوانین جدید باید به‌رغم بی‌توجهی قوانین گذشته، آن را در نظر آورند و قانونمند سازند. با این حال، قانون برنامه چهارم توسعه نتوانسته آن‌گونه که مورد انتظار بوده، موقعیت قانونی بسیج را در طول این برنامه تحکیم کرده و قوام‌بخش فرایندی باشد که برنامه سوم پایه‌ریزی نموده است.

در ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه، نیروی مقاومت بسیج به منزله یکی از دستگاه‌های دولتی تلقی شده که نقش و مأموریتی اساسی در رابطه با امور جوانان داشته و سازماندهی جوانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شغلی، علمی، تفریحی و تحصیلی باید با در نظر گرفتن نقش و مأموریت این نیرو صورت پذیرد. این تنها ماده‌ای است که در قانون برنامه چهارم (در قالب ماده ۱۲۶) به صورت مفید و مؤثر بازشناسی و در طول این برنامه نیز قابل اجرا اعلام شده است. در سایر موارد، مفاد قانون برنامه چهارم در خصوص نقش و مأموریت بسیج، بسیار ضعیف‌تر از قانون برنامه سوم است.

تغییر بنیادهای امنیت‌سازی و حفظ امنیت موجود از «نهادهای حکومتی» به ویژه اطلاعاتی و نظامی به «بخشهای مردمی»، که به مردمی کردن تأمین امنیت ملی موسوم است، به خوبی مورد توجه قانونگذار در تدوین برنامه سوم توسعه قرار داشت. به همین دلیل، ماده ۱۷۵ به این امر اختصاص یافت و در این خصوص غایت تشکیل بسیج؛ یعنی «تشکیل ارتش بیست میلیونی» سبب شد که بار اصلی تأمین این رسالت بر عهده بسیج قرار گیرد.

ماده ۱۷۵ قانون برنامه سوم با بسط دامنه ماده ۱۵۷ در خصوص جوانان و نوجوانان، با محوریت ایجاد بسترهای مناسب‌تر به منظور تشکیل ارتش بیست میلیونی و مردمی کردن دفاع و تأمین امنیت ملی، نه تنها توسعه فعالیت‌های بسیج را در ابعاد مختلف

پیش‌بینی کرد بلکه هزینه‌های انجام شده در این راستا را نیز به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی کرد و حتی فعالیت‌های شهرسازی نیز با گسترش کانونهای بسیج برای شهرکهای جدید، برنامه‌ریزی شد. اما در برنامه چهارم، نه تنها تناسب فعالیت‌های شهرسازی با کانونهای بسیج در نظر گرفته نشده بلکه از معافیت مالیاتی اقدامات مرتبط با گسترش بسیج و همچنین معافیت واحدهای جدید بسیج، از پرداخت عوارض قانونی ناظر بر صرف هزینه‌های مربوط به توسعه بسیج در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت خبری نیست و به هنگام تبیین بسط فرهنگ و معرفت دینی توسط نهادهای دولتی، از تصریح به نقش بسیج خودداری شده و در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی ناظر بر این اهداف و اقدامات نیز از عباراتی مبهم استفاده شده که قرار گرفتن بسیج به عنوان مصداق نهاد مسئول چنین اموری را دشوار ساخته است.

در قانون برنامه چهارم، اهداف اساسی نظام در ارتباط با بسیج، با وجود تصریح قانون برنامه سوم توسعه؛ یعنی پنج سال بودن در دستورکار مجموعه بسیج و نهادهای دیگر، مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته است. «تحقق آرمانهای حضرت امام(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی، ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی، دفاعی، اشاعه تفکر بسیجی، مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق کمی و کیفی بسیج مستضعفین»، به صراحت در مواد ۱۵۹ و ۱۷۵ قانون برنامه سوم پیش‌بینی و مورد تأکید قرار گرفته بود، ولی قانون جدید، فاقد چنین نگرش جامع و دقیق است. با اینکه اهداف مذکور، حالت مقطعی و موقت نداشته و در پایان برنامه سوم نیز اقدام در راستای تحقق آنها ضروری بوده است، در برنامه چهارم استمرار مقررات آن مواد مورد تأکید واقع نشده است. علاوه بر آن، قانونگذار متأسفانه مسأله مذکور در بند «ب» ماده ۱۶۳ در خصوص توسعه بسیج همگام با برنامه‌ریزیهای توسعه شهری را نیز از نظر دور داشته است.

در هر حال، در نظام برنامه‌ریزی شده‌ای که تدوین‌کنندگان برنامه‌های توسعه پنج ساله در نظر داشته و دارند، مأموریتها و اهداف بسیج باید در پرتو راهبردهای ملی مرتبط با این نیرو تعقیب و پیگیری شود. همان‌طور که در بالا اشاره شد، با توجه به

قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، بسیج از دو منظر مورد توجه بوده است: راهبردهای عام ناظر بر نیروهای مسلح (که بسیج به عنوان بخشی از سپاه تابع آنها خواهد بود) و راهبردهای خاص بسیج (به ویژه فرهنگی با تأکید بر قابلیت‌های نسل جوان) که قانونگذار به صورت صریح آن را در خصوص این نهاد مورد توجه قرار داده است.

ملاحظهٔ هنجارها و مقررات حقوقی راجع به نقش‌آفرینی بسیج و انتظارات عمومی از این نیرو نشان می‌دهد که خلأها و کاستیهای قانونی متعددی در مسیر تحقق کارویژه‌های بسیج وجود دارد. به نظر می‌رسد که در فضای کنونی، مسیر رفع این کاستیها و ارتقای اثربخشی کارکرد بسیج و تسهیل انجام مأموریت‌های آن فراهم شده و بهتر است در این رابطه ابتکار و اقدام مناسب به عمل آید.

پیشنادهای نهایی پژوهش

با توجه به آنچه در بالا به صورت تحلیلی ارائه شد، موارد زیر جهت ارتقای راهبردها و استراتژی ارتقای کارآمدی بسیج در تحقق اهداف و مأموریت‌های محوله پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد که با در نظر داشتن محورهای زیر، می‌توان برنامه چهارم را گامی دیگر در تقویت کارکردهای بسیج در ابعاد مختلف، به ویژه: تأمین امنیت و نظم عمومی، صیانت از امنیت و هویت فرهنگی، ارتقای توان دفاع ملی، گسترش ارزشها و تعمیق آنها در بستر جامعه، ترسیم آینده‌ای امیدبخش برای عموم و ارتقای رضایت از نظم سیاسی و اجتماعی تلقی کرد.

۱- توجه ویژه به کارکردها و پتانسیلهای بسیج در تحقق اهداف برنامه چهارم به

ویژه در امور فرهنگی و تمهید لوازم ایفای مؤثر این کارکردها؛

در این خصوص لازم است که نیروی مقاومت بسیج در تدوین مقررات اجرایی این موارد نقش مؤثر داشته و تجارب خود را در این حوزه جهت تکمیل قانونگذاری و قانونمندی امور فرهنگی کشور ارائه کند. این در حالی است که تنها ظرفیتهای جوان ترکیبی بسیج، توجه قانونگذار را به خود جلب کرده و سایر فرصتهای نهفته در آن مورد استقبال خاص قرار نگرفته است. لازم است این امر در سایر موارد نیز تعمیم و بسط یابد. از طرف دیگر، ایفای مسئولیتهای گسترده، مستلزم پیش‌بینی شرایط و لوازم سازمانی و مالی است و

بدین منظور ضروری است که امور برنامه و بودجه بسیج، با توجه به وضعیتهای متفاوت و جدید، گسترش یافته و اعتبارات قانونی در بودجه این نهاد، به صورتی متناسب پیش‌بینی شود.

۲- برجسته کردن نقش بسیج در جهت دادن به فعالیت جوانان در امر سازندگی کشور، به ویژه از طریق تعامل مؤثر این نیرو با سازمان ملی جوانان و تمهید راه‌حل مشترک پیرامون سازمانهای غیردولتی جوانان بسیجی، ساماندهی امور اشتغال و ازدواج جوانان و فعالیت آنها در جهت آشنایی با اولویتهای نظام و حمایت از آنها؛

از آنجا که مدیریت امور جوانان در جامعه، علاوه بر بسیج، بر عهده نهادهای خاصی نظیر سازمان ملی جوانان می‌باشد، لازم است با اتخاذ تدابیر و راهبردهای مشترک امور جوانان به نحوی مدیریت شود که با دورنمای توسعه همه‌جانبه کشور سازگاری داشته باشد. ایجاد کمیسیون مشترک امور جوانان با حضور نمایندگی نهادهای دولتی ذی‌ربط در این حوزه، نظیر بسیج، سازمان ملی جوانان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور و ... می‌تواند راهگشای سیاستگذاری نهادهای مختلف دولتی عضو در جهت ساماندهی امور جوانان باشد.

۳- دعوت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از بسیج در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی راجع به نحوه تأمین امنیت ملی و ارتقای اقتدار دفاعی کشور؛

هرچند وزارت دفاع، نماینده قانونی نیروهای مسلح در مجموعه دولت (قوه مجریه) بوده و مسئول پشتیبانی و ارائه لوایح قانونی و آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین مرتبط با نیروهای مسلح است، اما در این خصوص استفاده از دیدگاهها و نظرات نیروهای مختلف نظامی و دستگاههای ستادی مرتبط با آنها به ویژه از این جهت که آنها مجرای بعدی این تصمیمات و مقررات خواهند بود، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

از این جهت، به نظر می‌رسد که معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع در ترسیم خطوط کلی آیین‌نامه‌های اجرایی راجع به قانون برنامه

چهارم توسعه تا حدودی که به کارکردها و مأموریت‌های ذاتی بسیج مربوط می‌شوند، لازم است با تشکیل کمیسیون‌های مشترک و بین‌نهادی (با حضور کلیه نهادهای نظامی ذی‌ربط و نمایندگان سطوح عالی فرماندهی نیروهای مسلح) در این خصوص رایزنی، مشورت و تصمیم‌گیری کرده و بر اساس تصمیم جمعی این نیروها اقدام کند.

۴- همکاری فعال بسیج با نهادهای غیرنظامی، به ویژه در جهت تدوین و اجرای امنیت ملی و حضور فعالانه آن در شناسایی مؤلفه‌های قدرت ملی و درج توان مشارکت و سازماندهی بسیج مردم در صیانت از امنیت و منافع ملی؛

۵- تمرین و آموزش دفاع از حقوق اساسی مردم و تلاش به منظور فرهنگ‌سازی به ویژه تعمیق فرهنگ قانون‌مداری و نظم و امنیت در سطوح و میان اقشار مختلف جامعه؛

۶- ارتقای توان نظامی بسیج و پتانسیلها و ظرفیتهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دفاع از تمامیت ارضی و پاسخگویی به تهدیدها (به عنوان مهمترین اصلیتترین کارویژه بسیج در پرتو اصل یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی و غایت تشکیل ارتش بیست میلیونی).

منابع فارسی

- ۱- ترابی، سیدمصطفی و روحی، نبی‌الله (۱۳۷۹)؛ **بسیج در پرتو قانون**، تهران، نشر فرهنگی آیه.
- ۲- تیلار، پروانه (مهر ۱۳۸۳)؛ «حقوق سازمانهای غیردولتی در نگاهی ایرانی»، **ماهنامه اطلاع‌رسانی حقوقی**، شماره ۵.
- ۳- داوید، رنه (۱۳۷۵)؛ **درآمدی بر حقوق تطبیقی**، ترجمه حسین صفایی، تهران، دادگستر.
- ۴- دورکین، رونالد (۱۳۸۱)؛ **حق و مصلحت**، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۵- دوورژه، موریس (۱۳۷۰)؛ **جامعه‌شناسی حقوقی**، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران، دانشگاه تهران.

- ۶- راسخ، محمد (۱۳۸۱)؛ *حق و مصلحت*، تهران، طرح نو.
- ۷- ساعد، نادر و تیلا، پروانه (۱۳۸۳)؛ «بازشناسی سازمانهای غیردولتی در پرتو نظم حقوقی: فرصتها و ظرفیتهای فراروی بسیج»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۳.
- ۸- ساعد، نادر (بهار ۱۳۸۳)؛ دفاع غیرنظامی و ارزیابی کارویژه بسیج در پرتو آموزه‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۲.
- ۹- سیموندرز، نیل (۱۳۸۱)؛ «فلسفه حقوق»، *حق و مصلحت*، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۱۰- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵)؛ *حقوق اداری*، تهران، سمت.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)؛ *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران، نشر یلدا.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)؛ «اهمیت ذاتی قانون و فنون قانونگذاری»، *معمای حاکمیت قانون در ایران*، اسماعیل خلیلی (تدوین)، تهران، طرح نو.
- ۱۳- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۹)؛ *هفت ستون سیاست*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴- نورث وایتهد، آلفرد (۱۳۷۶)؛ *سرگذشت اندیشه‌ها*، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، دفتر نشر اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۵- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۷)؛ *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- اساسنامه کمیته‌های انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۳/۴.
- ۱۷- قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸، *روزنامه رسمی* ۱۳۵۹.
- ۱۸- قانون اصلاح موادی از قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور (۱۳۵۶/۱/۳۰).
- ۱۹- قانون تشکیل سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی (۱۳۵۳/۱۲/۱۹) و آیین‌نامه اجرایی آن (۱۳۵۵/۱۱/۲).
- ۲۰- قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲۱- قانون مقررات استخدامی سپاه.
- ۲۲- قانون نحوه حمایت قضایی از بسیج، مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱.

- ۲۳- لایحه ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی در سازمان بسیج ملی، مصوب ۱۳۵۹/۴/۴، مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۵۹.
- ۲۴- لایحه تشکیل سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۲/۱۰، روزنامه رسمی، شماره ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴.
- ۲۵- لایحه تشکیل سازمان بسیج ملی، مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۹، روزنامه رسمی، شماره ۱۵۱۶۴-۱۳۵۹/۴/۲۵.
- ۲۶- لایحه قانون تشکیل سازمان بسیج ملی، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹.
- ۲۷- مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور سال ۱۳۵۹.
- ۲۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹.

English References

1. Marmor, Andrei (2001). *Positive Law and Objective Values*, Oxford: Clarendon Press.
2. Starck, Christian (2003). *Legitimacy of Constitutional Adjudication and Democracy*, University of Gttingen.